

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Iran's M.

آئینه ایران

جمعی از کمونیست های انقلابی - ایران  
۱۶ سپتمبر ۲۰۲۴

## خیزش ژینا، ایدئولوژی و شکاف نسلی

نوشته سوم از سلسله مقالات در رابطه با جمع بندی از خیزش ژینا به مناسبت دومین سالگرد\*

شکست اسلام به مثابه ایدئولوژی جمهوری اسلامی از یک طرف و از طرف دیگر مسئله شکاف نسلی و ایدئولوژیک نبودن خیزش ژینا موضوعاتی بودند که بسیار مورد بحث قرار گرفتند. در اینجا تلاش می کنیم که این دو موضوع را با این سوالات مورد بررسی قرار دهیم. اول اینکه آیا تحلیل رفتن شدید سلاح دین به مثابه ایدئولوژی حاکمیت به معنی خلع سلاح جمهوری اسلامی از نظر ایدئولوژیک است؟ و دیگری آیا شکاف نسلی اساسن ارتباطی با ایدئولوژیک نبودن خیزش ژینا داشت؟ و اگر ربط داشت این ارتباط چگونه بود. تلاش این است که به آنچه که در بطن واقعیت و در پس ظاهر قرار دارد بنگریم.

### خیزش ژینا و ایدئولوژی

قدرت ایدئولوژیک رژیم جمهوری اسلامی در شرایط امروز دیگر تنها بنیادگرایی و دین و مذهب نیست. در طول زمان و بخصوص در یک دهه اخیر اسلام به مثابه سلاح ایدئولوژیک رژیم تیزی و کاربرد خود را در میان توده ها بشدت از دست داده است به گونه ای که به جرئت می توان گفت جمهوری اسلامی در این جبهه ایدئولوژیک شکست خورده است. اما این تمام ماجرا نیست. چرا که ایدئولوژی رژیم نیز چند لایه است، مذهب و دین یک لایه و لایه روینایی آن است. در حالی که بطن اصلی آن ایدئولوژی سرمایه داری، نئولیبرالیسم است که نه تنها از طرف زیربنای اقتصادی تولید، بازتولید و تقویت می شود، بلکه از طرف دولت های حامی جمهوری اسلامی و حتی دولت های متخاصم آن نیز تقویت می شود. همچنین ایدئولوژی هایی که برتری طلبی و غرور را زنده می کنند از ناسیونالیسم گرفته تا آریایی طلبی در آن تلفیق شده و نیز بر قدرت ظاهری آن می افزایند.

هنگامی که خمینی با تایید رسمی امپریالیست ها به قدرت رسید به معنی تلفیق مذهب و سرمایه داری بود، بدین معنی که این رژیم قدرت ایدئولوژیک خود را از مذهب اکثریت مردم که به هر دلیلی به آن اعتقاد داشتند، همراه با تحکیم آن از طریق زیر بنای اقتصادی جامعه، مناسبات تولیدی که موجود بود، قرار بود بگیرند و گرفتند. حالا اگر چه اسلام نقش و کارکردش بشدت تضعیف شده اما جمهوری اسلامی ضمن اصرار بر در دست گرفتن بیرق اسلام به مرور قادر شد از نوع های دیگری از ایدئولوژی هایی که از طریق مناسبات تولیدی حاکم تولید می شود استفاده کند و به اتکاء مهمی برای آن مبدل شده است، بدون اینکه لزومی داشته باشد برای آن تبلیغ خاصی کند و یا حتی نامی از آن ببرد. بعد از

جنگ ایران - عراق و گسترش جهش وار مناسبات سرمایه دارانه ، گسترش ارتباط با جهان غرب و در آمیختن با آن و به عبارت دیگر ادغام شدن جهش وار در شبکه جهانی سرمایه، بدون تاثیرات ایدئولوژیک نبوده است. ادغام شدن در شبکه جهانی به معنی در جریان اقتصاد نئولیبرالی قرار گرفتن است. اقتصادی که همراه با خود نگرش و طرز تفکر و در نهایت فلسفه و ایدئولوژی مخصوص به خود را همراه می آورد. طرز تفکری که به مانند بقیه نگرش ها و طرز تفکر های بورژوازی نام ایدئولوژی به خود نگرفته است چرا که بورژوازی اصرار دارد که خود را بدون ایدئولوژی معرفی و هدفش را ایدئولوژی زدایی اعلام کند. که البته به خاطر حاکمیت اش بر جهان سرمایه داری به صورت خودبخودی گسترش و نشر می یابد. هر گاه کلام و یا حرفی از ایدئولوژی زدایی در میان باشد، به نوعی آگاهانه و یا نا آگاهانه جانبداری و یا جهت گیری با یک نوع ایدئولوژی بورژوایی در میان است، که در شرایط کنونی به معنی ایدئولوژی و نگرشی است که از روابط و مناسبات نئولیبرالیستی نشئت می گیرد. روابط و مناسبات نئولیبرالیستی هم همان روابط سرمایه داری امپریالیستی در شرایط کنونی جهان است که برای استثمار وحشیانه تر توده ها در سراسر جهان و توسط نیروهای امپریالیستی تنظیم شده است و تاثیرات مهلکی را بر زندگی توده های مردم در سراسر جهان گذارده است. به گونه ای که دیگر به سختی می توان از شغلهای ثابت و پایدار در سطوح و رده های مختلف نام برد. کارکرد سرمایه داری نئولیبرالیستی که ادامه و تکامل منطقی سرمایه داری امپریالیستی است به سلب مالکیت از توده های مردم چه از طریق، مقررات زدایی و یا خصوصی سازی، حذف سوبسیدها بر مایحتاج اساسی مردم ، غصب زمین هایی که نسل ها خانواده ها بر روی آن کار می کرده اند و واگذاری آن به شرکت های انحصاری چند ملیتی و سرمایه گذاران بزرگ، گسترش کارهای پروژه ای و... به عدم ثبات شغلی و عدم امنیت معیشتی و فقر بخش عظیمی از جمعیت انجامیده است. از یک طرف استثمار شدیدتر و از طرف دیگر گسترش هولناک شکاف طبقاتی و بی آیندگی میلیون ها جوان را باعث شده است. این ها در شرایطی است که امکانات مبارزه در شکل قانونی حتی در کشورهای پیشرفته سرمایه داری محدودتر می شود. در کشورهای تحت سلطه اختناق و سرکوب گسترش یافته و جنبه خشن تری به خود گرفته است و امکان تشکل یابی را با مشکلات و خطرات بسیار بیشتری روبرو کرده است.

این مناسبات و روابط هم در عرصه سیاسی و هم در عرصه تفکر و فرهنگ سازی ویژگی هایی را با خود همراه داشته است. دنیایی خلق شده که امید به مشهور شدن و پول دار شدن آسان به جوانان القا می شود و پیوسته تعدادی برای نمونه وجود دارند، اما هر روزه میلیونها نفر در موقعیت فقیرتری حتی از والدین خود قرار می گیرند. ویژگی های تاثیرات آن تقویت فردگرایی، نخبه گرایی و رقابت جویی فردی در زمینه های مختلف فکری و حتی از روی دیگران رد شدن برای پیشرفت خود، که موقعیت اقتصادی، بی ثباتی اقتصادی و اجتماعی عامل و محرک آن می شود. عدم انسجام فکری و نظری و تغییر گرایش به صورت روزمره نیز از خصوصیات آنست. با چنین تفکری اجتناب از روحیه جمعی و کار جمعی مقابله با سازمانیابی، و اعلام خودمختاری فکری و سازمانی از محبوبیت خاصی برخوردار است. بی تفاوتی نسبت به مسایل جامعه و هم نوع خود، بالاخص بی تفاوتی و حتی دشمنی نسبت به مردم از مناطق دیگر، از رنگ دیگر از دین دیگر از نژاد دیگر در مقابل آن خود را در مرکز همه چیز قرار دادن، و یا منطقه، کشور، نژاد، دینی که تو در آن قرار داری در مرکز قرار دادن از خصیصه های آن است. این ها همه پیوسته از خصیصه های سرمایه داری و دنیای استثماری بوده ، اما آنچه در این شرایط به آن ویژگی می دهد، شدت و حدت آن به سطح هولناک آنست. و به مثابه یک ایدئولوژی و نگرش به صورت خودبخودی از مناسبات حاکم تولید و بازتولید می شود. ایدئولوژی که ایدئولوژی زدایی نام گرفته، در حالیکه مردم را در اسارت بی تفاوتی و خود مرکز بینی قرار می

دهد بر آن نام "آزادی" می نهند. وابستگی و حتی تعصب کور به نژاد، رنگ پوست، دین، ملت را عدم تعلق فکری و استقلال نظری می نامند.

با رشد سرمایه داری نئولیبرالیستی، مناسبات مربوط به آن و نگرش و طرز تفکر ناشی از آن بصورت اجتناب ناپذیری گسترش یافته است. روحیه همکاری های اجتماعی بشدت ضربه دیده، که همگی بر تغییرات ساختاری و البته با کمک قوانین مربوط به آن مناسبات و سرکوب ها و اختناق دولتی همراه بوده است.

جمهوری اسلامی پس از عاجز بودن از جذب نسل های بعدی به اسلام شیعی برای کنترل جوانان و در خدمت گرفتن آنها به سیستم استثماری خود بخصوص در یکی دو دهه اخیر بر طرز تفکری که از این مناسبات سرمایه دارانه نئولیبرالیستی برمی خیزد متکی بوده و از آن سود برده است. مخالفت و تضاد جوانان با جمهوری اسلامی و گریزشان از تفکرات و تحجرات رهبران جمهوری اسلامی زمینه ها را تا اندازه ای برای جذب نگرش ناشی از مناسبات نئولیبرالیستی تسهیل کرده است. اما غافل از اینکه تله ای دیگر برای افتادن به دام جمهوری اسلامی گذارده شده و تا حدی هم پنهان باقی مانده است. پشتوانه و قدرت این طرز تفکر و نگرش در مناسبات سرمایه داری جهانی است که خود را به اشکال مختلف تکثیر، تولید و بازتولید می کند و البته جمهوری اسلامی از آن بهره می برد.

بی دلیل نیست که گروه های سلطنت طلب و راست ارتجاعی نیز از چنین نگرشی به صورت علنی و مستقیم تری حمایت می کنند، سخنگویانشان، رسانه هایشان، کارشناسانشان همگی در همین راستا عمل می کنند و همین تفکرات را می پراکنند. بازار آزاد قلابی را با آزادی های غیر حقیقی اشان ربط می دهند و تصور غیر واقعی از جهنم سرمایه داری نئولیبرالیسم که برای توده های مردم ساخته شده را به خورد مردم و جوانان می دهند. این یکی از فصل مشترک های مهم و محکم میان جمهوری اسلامی و سلطنت طلبان و دیگر وابستگان به امپریالیست هاست که همگی از رشد و نمو این مناسبات بهره می برند.

عَلَم کردن نژاد آریایی از طرف همین دارودسته ها، عرب ستیزی که زیر پوشش مخالفت با اسلام و یا جمهوری اسلامی خود را می نمایاند، مهاجر ستیزی و بخصوص افغانستانی ستیزی تحت همان بهانه های مشخصی که توسط همه فاشیست های دیگر در سطح جهان خود را می نمایاند، بی تفاوتی سنگدلانه و حتی گرایش فاشیستی در برخورد به نسل کشی مردم ستم دیده فلسطین، و در همان زمان سنگ شیعه اثنا عشری به سینه زدن و.... علیرغم ظاهر متضاد همگی بروز ایدئولوژی است که در خدمت جمهوری اسلامی و سیستم های معادل آن قرار دارد.

به عبارت دیگر تاثیرات ایدئولوژیک نئولیبرالی بر مردم فراتر از تاثیراتی است که دستگاه های تبلیغاتی جمهوری اسلامی دارد. نه تنها توسط، گروه ها و رسانه های "اپوزیسیون" که از نظر ایدئولوژیک در همان جبهه جمهوری اسلامی قرار دارند تبلیغ و ترویج می شود بلکه توسط یک فضای ایدئولوژیک غالب در سطح جهان که حتی فرای رسانه های امپریالیستی چه فارسی زبان و یا غیر فارسی و حتی شبکه های اجتماعی و فضای مجازی که تاثیرات مهمی نیز دارند، می باشد. موضوع تولید و بازتولید روزمره این طرز تفکر از درون مناسبات تولیدی است که تا مغز استخوان در منجلاب این سیستم استثماری سرمایه داری و در وابستگی به سرمایه داری جهانی، غوطه ور شده است.

اما جنبه دیگر مسئله این است که ضعف های ایدئولوژی حاکم امپریالیستی نیز با شدت و حدت گرفتن تضادهای بنیادی سرمایه داری عریان گشته و با مبارزات مردم و بحرانهای ناشی از آن نیز تضعیف می گردد و از طرف توده های مردم و مبارزات آن ها به چالش گرفته می شود. امروز می بینیم در حالی که نیروهای متخاصم امپریالیستی برای دست بالا داشتن در جهان و همچنین بقاء امپریالیستی خود به جنگ هایی چون اوکراین و نسل کشی در غزه مبادرت می ورزند، و بحران های سیاسی و اقتصادی ناشی از آن دامن گیر آنها شده است. بررسی آن فعلا موضوع این نوشته

نیست، بلکه موضوع این نوشته این است که نشان دهد جمهوری اسلامی بخشی از جهان سرمایه داری امپریالیستی است و بدون تردید از ایدئولوژی های مولد آن بهره مند است.

سوال مهم اینست که چرا جمهوری اسلامی علیرغم اینکه ایدئولوژی اسلامی در ایران کارکرد سابق خود را بشدت از دست داده است، همچنان بر اسلام و شریعت پافشاری می کند؟

چند عامل مهم را در این مورد می توان بر شمرد. یکم اینکه اسلام هنوز در بخش هایی از جامعه پایه دارد، از جمله آن بخشی که پایه رژیم است. رژیم مجبور است برای حفظ آن بخش به ارزش های تعیین شده که بطور شدیدی سنتی و محافظه کارانه است بچسبد و امید وار است که بتواند این پایه را گسترش دهد. با توجه به موقعیت متزلزل بخش میانی تغییر گرایش و روی آوری دوباره بخش هایی از جامعه به این ارزش ها اگر چه موقتی و محدود، غیر ممکن نیست. دوم اینکه مسئله اسلام نقش مهمی در منطقه بازی می کند. رژیم برای حفظ موقعیت منطقه ای خود که یکی از مهمترین عرصه های حفظ و گسترش رژیم خود است مجبور است که به ارزش های اسلامی محافظه کارانه به سختی بچسبد و خود را پرچمدار آن اعلام کند. چرا که اسلام به مثابه یکی از عناصر خودمرکز دانی در سطح منطقه همچنان کارکرد دارد و اگر چه ضرباتی را در داخل کشور خورده است، اما در مورد منطقه چنین نیست و رژیم برای گسترش نفوذش در منطقه روی آن حساب باز کرده است. بخصوص با توجه به اینکه مسئله اسلام روبنا و پوشش مهمی برای بسیاری از تضادها و تخصصات در منطقه خاورمیانه و آسیای جنوب شرق و حتی آسیای میانه مبدل شده است. در نتیجه توسل به اسلام برای جمهوری اسلامی در تضادها و تخصصات منطقه ای اش نقش مهمی را همچنان می تواند ایفا کند. جمهوری اسلامی، اسلام را به مثابه اهرمی برای بسیج در منطقه و یا ائتلاف های منطقه ای با کشورها و یا نیروهای اسلامی نیز بکار می برد به گونه ای که در ارتباط با تضادش با اسرائیل و حمایت قلبی اش از غزه که در واقعیت تنها به حمایت از حماس و نیروهای وابسته به خود مثل جهاد اسلامی محدود است، خود را نشان می دهد. سوم برغم اینکه جمهوری اسلامی اقتصاد کشور را در شبکه سرمایه جهانی ادغام کرده است و از تأثیرات ایدئولوژیک و حمایت های نسبی غرب سود می برد اما همچنان دارای تضادهایی با آمریکا و اروپا است. جمهوری اسلامی از اسلام به مثابه سلاحی در مقابل غرب و تضادهایش با آن نیز استفاده می کند. این تضادها عمدتاً بر سر جهت گیری رژیم با امپریالیست های شرق و بند بازی هایش در بین دو کمپ امپریالیستی و هم چنین منافع و تخصصات منطقه ای است.

چهارم رژیم می تواند از اسلام به مثابه نقطه تمایز نسبی با رقبایش مانند، سلطنت طلبان و دیگر گروه ها و عناصر فرصت طلبی که سخت در تلاشند تا خود را به مثابه یک آلترناتیو در مقابل جمهوری اسلامی به امپریالیست ها بقبولانند استفاده کند. به عبارت دیگر نیروهایی که از نگرش و طرز تفکر منبعث از سرمایه داری جهانی بهره می گیرند و مبلغ آن می باشند علیرغم وحدت هریک مجبورند که یکی از آن ویژگی های خود محوری را برگزینند. اگرچه همه اجبار و پتانسیل توسل به اسلام گرایی و نوع شیعه اثنا عشری، نژاد پرستی آریایی و شونیسیم فارس را برای اعمال حاکمیت ارتجاعی خود بر جامعه دارا هستند، اما یکی از آن موضوعات می تواند بطور عمده در مرکز کار و تبلیغات آنها قرار گیرد. جمهوری اسلامی بر اساس ماهیت کلی اش که روشن است اسلامیت شیعی را برگزیده است. سلطنت طلبان و رضا پهلوی به آریایی گری و نژاد پرستی متوسل بوده و خواهند بود، دیگر نیروها نیز به نوعی بر یکی یا تلفیقی از آنها اتکا دارند، مثلاً سازمان مجاهدین اتکاء شان بر تلفیقی از اسلامگرایی شیعی و شونیسیم فارس است. به هر حال آنچه همگی در آن سهیم اند شعار، مرد میهن آبادی و یا خدا، شاه (رهبر)، میهن است.

خیزش ژینا، توانست در نزدیک به یک سال مقاومتش در مقابل سرکوب وحشیانه رژیم، جنبه های مهمی از چگونگی کارکرد ایدئولوژی رژیم را بشناساند. نتیجه این که رژیم از نظر ایدئولوژیک کاملن خلع سلاح نشده است، و از نگرش

و طرز تفکر نئولیبرالیسم منبعث از دگرگونی های ساختاری در چند دهه گذشته که به رشد و گسترش مناسبات سرمایه دارانه و ادغام هر چه عمیقتر در شبکه جهانی سرمایه انجامیده است، بهره می برد. عملکرد این ایدئولوژی بدون شک جنبه های بسیار گسترده تری در جامعه را دارد که نمی توان و نباید به حال خود رها گردد. خیزش ژینا نیز نشان داد که تمرکز مبارزه عمده نیروهای مبارز از جمله نیروهای چپ به درستی بر روی دینمداری جمهوری اسلامی متمرکز بوده اگر چه جنبه دیگر ایدئولوژی جمهوری اسلامی که به طور روز افزونی قدرت بیشتری گرفته است به حال خود رها شده است و مبارزه جدی با آن صورت نگرفته است. حتی نیروهای چپ و منتسب به کمونیسم نیز از برخورد به آن و حتی ردیابی آن عاجز مانده اند. علت چنین بی توجهی خود یک موضوع بررسی است. بخصوص اینکه می توان گفت که نیروهای چپ و منتسب به کمونیسم نیز از تأثیرات ایدئولوژیک آن در امان نبوده اند. شکست قدرت پرولتاریا در اتحاد شوروی و چین بعد از مرگ صدر مائو، سپس سقوط بلوک شرق که با کارزار ضد کمونیستی امپریالیستی دنبال شد تأثیرات مخربی بر موقعیت و مواضع کمونیست ها در سطح جهانی گذارده است. جنبش کمونیستی علیرغم تلاش هایی که در گوشه و کنار جهان صورت گرفته است نتوانسته در مقابل این شکست ها و کارزارهای شنیع ضد کمونیستی کمر راست کند. اما برای کمر راست کردن باید در مقابل ایدئولوژی نئولیبرالیستی و تأثیرات آن محکم بایستد و علیه آن مبارزه کند، نه تنها در مقابل کارکرد اقتصادی و سیاست و قوانینی که برای تسهیل استثمار شدیدتر تصویب و اجرا می شوند بلکه در مقابل تأثیرات ایدئولوژیک آن که بصورت پنهانی و خزنده ای در حال نفوذ است.

### خیزش ژینا و شکاف نسلی

شرکت گسترده جوانان در خیزش ژینا به گونه ای که بخش وسیعی از شرکت کنندگان را جوانان دهه هشتادی و نوجوانان دهه نودی تشکیل می دادند، باعث شد که این مسئله به یکی از مسایل مهم مورد بحث خیزش تبدیل شود و حتی برخی به جمع بندی های یک جانبه ای از آن برسند. به این صورت که خیزش را مختص جوانان بدانند، برخی تا آنجا پیش رفتند که آنرا شورشی علیه نسل قدیم که باعث و بانی انقلاب ۵۷ بوده اند، ارزیابی کنند. شکی نیست که بخش مهمی از نسل جوان و بویژه زنان جوان بشدت از وجود جمهوری اسلامی در رنج و عذابند و بیش از دیگران از محرومیت های اجتماعی رنج می برند.

اینکه نسل جوان از واکنشی سریعتر، از روحیه ای نترس، شورشی تر و رادیکال تر از نسل های قبل برخوردار است و سریع تر به خیزش ها و اعتراضات می پیوندند، مسئله ای تازه ای نیست و مختص خیزش ژینا نبوده است بلکه یک روند عمومی است. آنچه که در این خیزش خیره کننده بود، جوانانی بودند که جمهوری اسلامی همه تلاشش را به خرج داده بود تا بتواند آنها را مکنتی به بار آورد، اما جوانان دهه ۸۰ و نوجوانان دهه ۹۰ چه دختر و چه پسر در صف اول مبارزات و حتی علیه ارزش های جمهوری اسلامی به پا خاستند.

به همین دلیل شکاف نسلی همچنان به مثابه یک واقعیت عمل می کند. این شکاف، شکافی واقعی است و بیان تضادهایی است که میان نسل جوان و نسل های قبل عمل می کند. دلایل مادی بسیاری برای چنین تضادی وجود دارد. نا مشخص بودن جایگاه طبقاتی، آنان را در مقابل ایده ها و نظرات و نگرش های مختلف بازتر می کند و نسبت به مسایل جامعه حساستر می کند. از طرفی آغوش بازتری برای پذیرش نوآوری ها و گسست از ایده های کهنه را دارند. بنابراین روحیه محافظه کارانه نسل های مسن تر جامعه را حمل نمی کنند و یا حداقل می توان گفت بسیار کمتر حمل می کنند. بخصوص اینکه جهان از نظر تکنولوژیکی و علمی در حال تحولات عظیمی است و این تحولات بسرعت قابل انتقال و

دریافت است و این نسل از آن ها بهره می برد. علاوه بر تفاوت های عمومی که به آن ها اشاره شد، باید به ویژگی های نسل جدیدی که بخصوص در خیزش ژینا خود را نشان دادند نیز اشاره کرد.

نسل جوان کنونی دارای کلیه این عوامل مثبت نسبت به نسل قدیمتر است، اما به همان اندازه در مقابل برخی آسیب های اجتماعی و سیاسی ضربه پذیرتر است. بویژه اینکه تفکراتی که از مناسبات تولیدی کنونی در سطح جهان نشئت می گیرند اگر بصورت آگاهانه و هشیارانه و با دید علمی با آن مقابله نشود، قابلیت جذب می یابد. بخصوص اینکه نسل جوان در شرایط تاریخی خاصی قرار دارد، شرایطی که با شکست دو انقلاب بزرگ پرولتاری در اتحاد شوروی و چین و علاوه بر آن با شکست انقلاب ۵۷ و به سرقت بردن انقلاب مردم توسط دارودسته خمینی و نتایج فلاکت بار آن روبرویند. با کارزار های شنیع ضد کمونیستی، زمینه های منفی و بدبینی نسبت به کمونیسم در آن ها تقویت شده است. در نقطه مقابل به شدت در معرض ایده های نئولیبرالیستی قرار دارند. ایده هایی که خود مدیریتی، تشکل ناپذیری، فرد گرایی و گریزان بودن از کارجمعی و کلکتیو در مرکز آن قرار دارد. این خصوصیات به رقابت فردی و کلیه خصوصیات که در بخش قبل بدان اشاره شد منجر می شود. اگر چه برخی به این خصوصیات به مثابه جنبه مثبت پرداخته اند اما تاثیرات منفی و نگران کننده آنها از نظر دور داشته اند. و حتی افرادی که علن و یا عمن مبلغ نگرش نئولیبرالیستی هستند فراخوان به دور انداختن سازماندهی حزبی، و در مقابل "سازماندهی دیجیتالی، افقی، ژله ای" را داده اند تا به اصطلاح اینگونه به بستن شکاف نسلی بپردازند. شکی نیست که نسل قدیم باید از جنبه های خوب نسل جوان، از مبارزه جویی و شجاعت و آغوش باز آنها برای ایده های نو و تحولات علمی الهام بگیرد. باید شونیسیم و مردسالاری، سنتگرایی، محافظه کاری را از خود بزدايد این ها مسایل مهمی برای بستن شکاف است اما هرگز نباید جنبه های منفی که ممکن است نسل جوان به خاطر بی تجربگی و شرایط تاریخی که در آن قرار گرفته باشد، مانند اتکاء افراطی و یکجانبه به شبکه های اجتماعی و سازماندهی دیجیتالی بدون توجه به قدرت دیجیتالی دشمن و مشکلات امنیتی آن همچنین خصوصیات که به همراه دارد مانند فردگرایی، تشکل زدایی و ایدئولوژی زدایی مورد تقدیس قرار گیرد.

بدون تشکل، بدون نفی فرد گرایی و اتکاء به کار جمعی، بدون جمعبندی های علمی و بدون اتکاء به علم انقلاب از شر جمهوری اسلامی و یا هر رژیمی که ممکن است از همان جنس و ماهیت جایگزین آن شود رهایی نخواهیم یافت و همان اتفاقی که در ۵۷ افتاد، یکبار دیگر تکرار خواهد شد.

بنابراین شکاف نسلی علیرغم این که یک تضاد واقعی است اما لزوماً یک معضل نیست. بلکه نسل جوان با توجه به شور و شوق و رادیکالیسم درونی اش برای تغییری تواند نقش پیشروی در انقلاب ایفا کند همانگونه که چنین بوده است. اما مهم است که بتواند با مبارزه در مقابل ایده های کهنه ای که در قالب «نو» خود را می نمایانند و با جهت گیری به تئوری علمی نقش مهمی در مبارزات و پیشروی های آن ایفا نمایند. ■ ادامه دارد

**جمعی از کمونیست های انقلابی - ایران**

**۲۳ شهریور-سنبله ۱۴۰۳**

\*- در جمعبندی خیزش زن زندگی آزادی (ژینا) که در آستانه دومین سالگرد آن منتشر می شود، در اولین قسمت آن به ویژگی های این خیزش و زمینه های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی آن، همچنین گسستی را که این خیزش از تفکرات مردسالارانه نسبت به مبارزات توده ای قبل نمایندگی کرد، پرداخته شد و در دومین قسمت نقش محوری حجاب اجباری در خیزش ژینا مورد بررسی قرار گرفت.

**یادداشت: روس ملحوظات مشخصی ویراستاری نشده است.- اداره پورتال**